

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال نوزدهم
شماره ۲۱۹ خرداد ماه ۱۳۹۷ ۲۰۱۸

"معجزه" کشف جسد مفقود مومیائی رضاخان

اخیرا "معجزه" ای روی داده و جسد مفقود و مومیائی رضا شاه سر بزنگاه پیدا شده است. قبل از پیدا شدن جسد؛ نخست خود عوامل رژیم؛ نظیر آقای صادق زیبا کلام؛ از اقوام خونی سلسله آخوندها که مدافع سیاستهای اسرائیل و آمریکا در ایران است و از دانشجویان ارتجاعی سابق خارج از کشور محسوب می‌شود، امکان یافتند بدون ترس از تعقیب؛ شکنجه و آزار؛ در سیمای رژیم جمهوری اسلامی که همه چیز را سانسور و جعل می‌کند، حاضر شوند و با جعل تاریخ معاصر ایران از رضا شاه به دفاع برخیزند و کسی در جمهوری اسلامی متعرض ایشان نشد و یا تلاش نکرد دروغهای ایشان را برملا کند. خود این صحنه سازی‌ها و نقشی که به این مدافع سرسخت سیاست اقتصادی نئولیبرالیسم از عوامل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول واگذار کرده‌اند در خور تعمق و تأمل است. این بازیگر بیننده را بیاد "شیکاگو بویز" ها شاگردان مکتب میلتون فریدمن آمریکائی می‌اندازد که از عوامل فقر و کودتا در ممالک ستمدیده "دنیای سوم" بودند و هستند. اینکه بطور "اتفاقی" جسدی پیدا شده که مومیائی آن با جسد مومیائی رضا شاه در مصر شباهت دارد، گویای مهارت باستانشناسان ایرانی انگلیسی‌تبار در کشف محل مخفی دفن این جسد می‌باشد. به نظر می‌رسد که هواداران انقلابهای مخملی در پی ایجاد بدیل‌های سیاسی برای رژیم جمهوری اسلامی هستند و از هم اکنون به دنبال چکمه‌ای غرقه بخون رضا شاه رفته‌اند. صحنه نخست این نمایش به اجراء در آمده است و حال باید منتظر صحنه‌های بعدی بود که کشف می‌شوند.

اگر کسی بخواهد به نقش رضاخان بپردازد، باید وی را در متن تحولات جهانی آن روز قرار دهد و تنها در این متن یعنی با ملاکهای علمی ماتریالیسم تاریخی به نقش وی برخورد کند. در آن دوران امپریالیسم بریتانیا امپریالیسم متفوق در جهان بود که ایران را با تزاریسیم روسیه بین خود تقسیم کرده بودند. انقلاب اکتبر به اسارت و مستعمره شدن ایران پایان داد. امپریالیسم انگلستان که حاضر نبود از سهم خود در ایران درگذرد، قرار داد ۱۹۱۹ که قراردادی استعماری و دنباله همان قرارداد ۱۹۰۷ برای تقسیم ایران بود را به دولت دست‌نشانده خویش در ایران تحمیل کرد. جنبش میرزا کوچک خان جنگلی در گیلان بر ضد همین قرارداد استعماری بود و مرامنامه‌ای منتشر نمود.

که در آن از نظام وظیفه اجباری؛ تحصیلات اجباری؛ تساوی حقوق اجتماعی زن و مرد؛ استقلال ایران؛ تحصیلات جوانان در مدارج ابتدائی و عالی؛ نظام بهداشتی رایگان و... صحبت کرده بود. این مرامنامه مرامنامه یک جنبش ملی دموکراتیک و انقلابی برای آزادی ایران از چنگال امپریالیسم بریتانیا بود. امپریالیسم انگلستان که از پیروزی انقلاب اکتبر دل خونی داشت، تلاش می‌کرد با اشغال ایران و تحمیل یک رژیم سراسر ارتجاعی و آدمکش؛ از نفوذ بلشویسم در ایران جلو بگیرد. ایران کشور بزرگی محسوب می‌شد که میان روسیه و هندوستان حایل بود. امپریالیسم انگلستان که تا قبل از انقلاب اکتبر به پراکندگی و تفرقه ایران دامن می‌زد و به آن برای حفظ منافع خود نیاز داشت، و از ایران قدرتمند و یکپارچه می‌هراسید، بعد از انقلاب اکتبر؛ سیاست مستعمراتی خویش را در خاورمیانه برای حفظ منافعش در هندوستان تغییر داد. آنها با ایجاد جنگ مذهبی و دامن‌زدن به اختلاف میان هندو و مسلمان؛ کشور پاکستان را (از جمله بنگال‌دش که بخشی از پاکستان در گذشته بود-توفان) با تجزیه هندوستان ایجاد کردند. در ایران ما وضع طور دیگری بود. گردنکشی ایلات و قبایل نظیر قشقایی‌ها؛ بختیاری‌ها؛ شیخ خزعل؛ سیمینقو و... همه در خدمت منافع وقت امپریالیسم انگلستان بود. زیرا یک ایران تک‌پاره که جنوب نفت‌خیزش تحت مراقبت قشون انگلستان باشد و بدون نظارت نفت ایران را به بهای حتی نقض قرارداد داری غارت کنند و دولت جنوب در ایران ایجاد نماید، صد در صد منافع امپریالیسم انگلستان را تأمین می‌کرد و متناسب با اوضاع روز بود. انقلاب کبیر اکتبر به همه این محاسبات موزیانه خط بطلان کشید و امپریالیسم انگلستان را سیاست دگر آمد. حال حفظ منافع امپریالیسم انگلستان ایجاب می‌کرد که تلاش کند در ایران به این پراکندگی پایان دهد و رژیمی بر سر کار آورد که به شدت متمرکز باشد و منافع آتی و کنونی این امپریالیسم را از خطر برهاند. آنها نظرشان به رضاخان میرپنج جلب شد که در سرکوب جنبش جنگل و قتل عام رهبران انقلابی و کمونیست آن موفقیت به دست آورده بود. رضا خان در آن دوران به دشمنی با مرامنامه جنبش جنگل پرداخت و بانیان آنرا نابود ساخت. حال مضحک است که پاره‌ای مرده-پرستان "مدرن" بیادشان آمده که رضا خان هوادار تحصیلات عالیه بود و نظام دادگستری ایجاد نموده و نظام وظیفه اجباری آفرید. ولی این ... ادامه در صفحه ۳

بیانیه حزب کار ایران (توفان) پیرامون خروج آمریکا از توافقنامه "برجام"

نتایج خیانت هیات حاکمه ایران به منافع ملی کشور ما و اعتماد به امپریالیسم

ترامپ رئیس جمهور آمریکا همانطور که وعده کرده بود، توافقنامه برجام (برنامه جامع مشترک) را با ایران به زیر پا گذارد و مجدداً با دروغ؛ فحاشی و زبان گلوله و تهدید و به صورت غیرقانونی در صدد توجیه نظر خود برآمد. ما در گذشته این مسئله را طرح کردیم و این شرایط را پیشبینی نمودیم. روشن است که **توافقنامه؛ قرارداد نیست** و این نخستین عوامفریبی آمریکا در مذاکرات با تیم هسته‌ای ایران بود که توافقنامه‌ای را با فشار و شتاب به نمایندگان بی‌اطلاع و بی‌سواد ایران تحمیل کرد. هر قراردادی باید به تصویب پارلمانهای کشورهای مربوطه رسیده باشد و لذا توسط رئیس جمهور وقت قابل الغاء نیست. این ایران بود که به دست مشتی خیانتکار این توافقنامه را به تصویب مجلس فرمایشی اسلامی رسانید بدون آنکه نمایندگان از مضمون آن اطلاع داشته باشند و در جامعه در مورد آن در مطبوعات و رسانه‌ها بحث شده باشد. هنوز هم مردم ایران نمی‌دانند که در متن این موافقتنامه چه چیزهایی پنهان است.

با تصویب این توافقنامه در مجلس فرمایشی جمهوری اسلامی؛ همدستان امپریالیسم آمریکا و اسرائیل در ایران جشن گرفتند و خائنان ایرانی به مردم کشورشان وعده کردند که تحریمها برداشته شده و وضعیت اقتصادی در ایران سامان می‌پذیرد. آنها حق مسلم ایران برای ... ادامه در صفحه ۲

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران به پیوندید

نتایج خیانت هیت حاکمه...

استفاده مسالمت آمیز از انرژی هسته‌ای و آموزش فناوری هسته‌ای را به قیمت حفظ سلطه مشتی راهزن و دزد در حکومت فروختند و آرزو کردند که امپریالیسم آمریکا تلاشی برای سرنگونی آنها به عمل نیاورد. زهی خیال باطل!

هیچکدام از کشورهای طرف مذاکره با ایران؛ به این کاغذ پاره به عنوان قرارداد نگاه نکردند. برای آنها این ورق پاره توافقنامه‌ای بود که به ایران تحمیل کرده بودند. از همان آغاز؛ همانگونه که حزب ما پیشگویی کرده بود، رئیس جمهور آمریکا بعد از اوپاما؛ قادر بود قانونا این توافقنامه را که به تصویب کنگره آمریکا نرسیده است، شخصا ملغی اعلام کند. اوپاما نیز بر این حقیقت واقف بود.

نشریه توفان در شماره ۱۸۷ مهر ماه ۱۳۹۴ - اکتبر ۲۰۱۵ تحت عنوان "بیانیه تحلیلی حزب کار ایران (توفان) پیرامون توافقنامه هسته‌ای در وین" نوشت:

"امپریالیسم آمریکا به علت مشکلاتی که در منطقه برایش پدید آمده به کسب زمان تنفس نیاز دارد و برای ده پانزده سال آینده برای خود زمان تنفس آفریده است و از هم اکنون در خفا در پی دسیسه‌های جدید است تا تمام تأسیسات هسته‌ای ایران را بهر نحو که در اختیار خواهد داشت نابود کند. هرگز نباید به امپریالیسم اعتماد کرد. توافقنامه با آمریکا در مسئله هسته‌ای دست ایران را می‌بندد و به مصالح ملی ما صدمه می‌زند. آمریکا به هیچ قراردادی پایبند نیست و همه موازین و ضوابط و پیمانهای برسمیت شناخته شده جهانی را به زیر پا می‌گذارد به وعده‌های این غارتگران چشم امید بستن خوشحیالی و تسلیم خفتبار است. رژیم جمهوری اسلامی در مورد این دورنما و عواقب علمی و فنی آتی این توافقنامه سکوت می‌کند و با خودش واقعا بر نتایج فاجعه بار آن آگاه نیست و یا راه خیانت ملی را آگاهانه در پیش گرفته است."

ترامپ در سخنرانی خویش برای خروج از برجام با جنجال و جعلیات اعلام کرد: «رژیم ایران اصلی‌ترین دولت حامی تروریسم است. موشک‌های خطرناک صادر می‌کند، روی آتش درگیری در سرتاسر خاورمیانه بنزین می‌ریزد و از گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامیانی چون حزب الله، حماس، طالبان و القاعده حمایت می‌کند».

نشریه توفان در شماره ۱۸۲ اردیبهشت



ماه ۱۳۹۴ برابر مه ۲۰۱۵ تحت عنوان "انگشت را که دادی دست را هم می‌دهی" در مورد سیاست اوپاما و اهدافی که آمریکا دنبال می‌کند نوشت:

"اوپاما در مصاحبه با نیویورک تایمز برای کامل کردن این صحنه سازی‌ها در خصوص نحوه برداشته شدن تحریم‌های ایران پس از توافق هسته‌ای چنین می‌گوید: "هنوز جزئیاتی باقی مانده که باید روی آن‌ها کار شود. اما فکر می‌کنم که چارچوب کلی از ایران می‌خواهد تا گام‌هایی که لازم است در خصوص تأسیسات غنی سازی فردو، سانتریفیوژها و غیره بردارد. آن وقت، تحریم‌های سازمان ملل تعلیق می‌شوند. البته تحریم‌های مربوط به موضوعات اشاعه و موشک‌های بالستیک، پابرجا می‌مانند. آن زمان، ما این حق را برای خود محفوظ می‌داریم که اگر نقض توافق صورت گرفت، آن تحریم‌ها را فوراً بازگردانیم. اما اگر اینطور نشد (نقض توافق رخ نداد)، ایران قادر خواهد بود از زیر بار تحریم‌ها، به جز موارد مربوط به موضوعات اشاعه و موشک‌های بالستیک که به جای خود می‌مانند، خارج شود، البته با در نظر داشتن این که در صورت نقض (توافق)، نظارت دائمی موجب واکنش خواهد شد."

توفان در شماره ۱۹۱ بهمن ماه ۱۳۹۴ برابر فوریه ۲۰۱۶ تحت عنوان "قلب حق مسلم ایران در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای" را درآوردند" در توضیح سخنان اوپاما اضافه کرد:

"آقای اوپاما برای اینکه مبدا توهمی پیش بیاید که وی در مقابل ایران عقب‌نشینی کرده است، می‌گوید: "بر اساس توافقنامه هسته‌ای که سال گذشته ما و متحدانمان و

شرکایمان با ایران دست یافتیم، ایران به بمب اتمی دست پیدا نخواهد کرد. منطقه، آمریکا و جهان امن‌تر خواهد بود. همانطور که بارها گفته‌ام، این توافقنامه هسته‌ای هرگز هدفش این نبوده است که همه اختلافات ما را با ایران حل کند." وی ادامه داد: " ... می‌دانیم که همچنان اختلافات زیادی میان ایران و آمریکا باقی مانده است.

... ما همچنان در مخالفت و مقابله با ایران، در رفتارهای بی‌ثبات کننده این کشور در زمینه‌های دیگر از جمله تهدید- های ایران برضد اسرائیل و شرکای ما در حاشیه خلیج (فارس) و حمایت ایران از گروه‌های خشن در کشورهای نظیر سوریه و یمن بسیار سرسخت هستیم.

... ما همچنان تحریم‌هایی برضد ایران به علت نقض حقوق بشر، به خاطر حمایت از تروریسم و به خاطر برنامه موشک‌های بالستیک این کشور داریم و به اجرای شدید این تحریم‌ها ادامه خواهیم داد. به طور مثال آزمایش اخیر موشکی ایران نقض وظایف بین‌المللی این کشور بود و در نتیجه آمریکا در حال اعمال تحریم‌هایی بر ضد افراد و شرکت‌های فعال در پیشبرد برنامه موشک‌های بالستیک ایران است و در این باره همچنان هوشیار خواهد بود و در دفاع از امنیت خود و متحدان و شرکای خود هیچ تزلزلی نخواهیم کرد". (تاکید در همه جا از توفان).."

می‌بینید که سخنان ترامپ جدید نیست، ادامه سیاست گذشته آمریکاست و نتایج آن از همان روز نخست معلوم بود. اختلافات امپریالیسم آمریکا با امپریالیستهای اروپائی فقط یک امر تاکتیکی است و نباید دوباره فریب آنها را خورد و برایشان حساب جداگانه باز کرد و به ناز و کرشمه آنها دلبست. همه این امپریالیستها با نظریات اوپاما و ترامپ موافقت، اختلاف بر سر نوع تحقق سیاست آنهاست. ترامپ بر این نظر است که با خروج از برجام و تشدید تحریم‌های اقتصادی و سیاسی و... علیه ایران با اشد مجازات برای متخلفان و همراه با پیشنهاد مذاکرات مشترک برای توافقنامه جدید؛ به این اهداف می‌رسد. وی هوادار مذاکرات مجدد و توافقنامه نوین است تا توافقنامه قبلی را با افزودن نکات جدیدی که مورد نظر اروپائی‌ها نیز هست کامل کند.

نظر امپریالیستهای اروپا اروپائی‌ها بر این نظرند که نباید از برجام خارج شد، بلکه ... ادامه در صفحه ۳

با تسلط رویونیسم بر حزب طبقه کارگر ماهیت پرولتری حزب تغییر می‌کند

نتایج خیانت هیت حاکمه...

باید با پذیرش ظاهری برجام فشار بر ایران و تحریمهای جدید را افزایش داد تا ایران در زیر بار فشار خورد شود و همان نظریات اوباما-ترامپ-اسرائیل-عربستان سعودی را در متن موافقتنامه جدیدی بپذیرد. البته در این عرصه اروپائیها منافع اقتصادی خویش را نیز در نظر دارند. تسلیم آنها به فشارهای آمریکا یعنی که زمام اختیار امور اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک کشور خویش را به دست آمریکا بدهند و قانونهای خویش را به زیر پا گذارده و تابع تصمیمات دولتمردان و یا کنگره آمریکا گردانند. در اینجا یک مسئله اساسی نیز طرح شده است که قراردادهای موافقتنامههای بینالمللی جقدر ارزش و اعتبار دارند و آیا کشورها میتوانند به این تعهدات اعتماد کنند؟ اروپائیها که امپریالیسم ضعیفتر هستند از نقض آشکار پیمانهای بینالمللی که ممکن است در شرایط امروز به ضرر آنها تمام شود اظهار ناراحتی میکنند و به این جهت به ترامپ انتقاد میکنند، ولی همه میدانند که خود این ممالک همه قوانین برسمیت شده بینالمللی را برای پیشبرد مقاصد و منافع خویش از جمله در مورد تجاوز به یوگسلاوی، به عراق، به افغانستان، به اوکراین؛ گسترش ناتو به سمت شرق؛ به فلسطین؛ به سوریه و ایران به زیر پا گذاردهاند. همه میدانند که همه این ممالک از ناقضان بزرگ حقوق بشر و ناقضان درجه یک تعهدات جهانی یعنی اسرائیل و عربستان سعودی دفاع میکنند و حاضر نیستند اعمال زشت آنها را در آدمکشی؛ نسلکشی و تجاوز نظامی محکوم کنند. همه میدانند که این قراردادهای بینالمللی تا موقعی که از پشتوانه زور برخوردارند، به اعتبار این قدرت قهریه؛ اعتبار دارند، وگرنه ورقپاره‌ای هستند که ارزش مرکب روی خود را نیز دارا نیستند.

وقتی به سخنان امانوئل ماکرون و یا آنجلا مرکل گوش میدهم متوجه میشوید که آنها نیز همان سخنان ترامپ را با زبان ملایمتری تکرار میکنند. آنها هم مدعی هستند که برجام کامل نیست و باید کامل شود. آنها مخالف الغاء آن بلکه موافق تکمیل آن هستند. روزنامه آلمانی زودوویچه سایتونگ مورخ ۱۰/۹ ماه ما ۲۰۱۸ نوشته است: "متحدان اروپائی تلاش کردند به لطایف الحیل ظرافتهای قرارداد را حفظ کنند، ولی در عین حال

انتقادات محقانه ترامپ نسبت به برخورد ایران با همسایگانش را در نظر بگیرند." (تکیه از توفان).

رهبران بریتانیا؛ فرانسه و آلمان با برنامه ساخت موشک ایران؛ با سیاست خارجی ایران مبنی بر مخالفت با سیاستهای صهیونیستی و تجاوزکارانه اسرائیل و حمایت از مبارزات مردم یمن؛ بحرین و فلسطین مخالفند. آنها مخالفند که ایران به دعوت دولت قانونی سوریه به سوریه برود و با داعش بجنگد و از حق حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه دفاع کند. آنها نیز مانند ترامپ به ایرانی علاقهمند که دست-نشانده آنها باشد و نقش ژاندارمی امپریالیسم را در منطقه ایفاء کند و "امنیت" اسرائیل را تامین کرده و این کشور متجاوز و مصنوعی را به رسمیت بشناسد. آنها یک محمد رضا شاه دیگر در ایران می‌خواهند که سرکوبگر جنبش زلفار و همدست عربستان سعودی باشد.

نشریه توفان در شماره ۱۸۹ آذر ماه ۱۳۹۴ برابر دسامبر ۲۰۱۵ تحت عنوان "بیانیه تحلیلی حزب کار ایران (توفان) پیرامون توافقنامه هسته ای در وین" نوشت: "امپریالیسم آمریکا قصد داشت با دسیسه چینی در منطقه، تقویت و تسلیح عربستان سعودی و امارات متحده عربی، غلم کردن داعش، تجاوز به سوریه و یمن و قتل عام مردم فلسطین در نوار غزه توسط صهیونیسم و عملیات مشابه، ایران را به زانو در آورد و به مصالحه در عرصه سیاست خارجی بکشاند".

همین سیاست را امپریالیسم آمریکا هنوز اکنون ادامه می‌دهد. در این سیاست تغییری پیدا نشده است. تنها تاخیر به وجود آمده و جایگاه اولویتها تغییر کرده است.

ایران؛ عراقی دیگر

امپریالیستها و صهیونیستها بیاری اپوزیسیون جاسوس و خودفروخته ایران مدعی شدند که ایران دارای بمب اتمی است. ولی تا به امروز نیز موفق نشده‌اند،

این بمب اتمی را پیدا کنند. همین استدلال را امپریالیستها در مورد عراق می‌کردند و به دروغ مدعی بودند که دولت عراق دارای سلاحهای کشتار جمعی است. تونی بلر جانی نخست وزیر وقت بریتانیا حتی مدعی شد که عراقیها می‌تواند در عرض ۴۵ دقیقه لندن را با سلاح کشتار جمعی نابود کنند. آنها در کنار سلاحهای کشتار جمعی مدعی شدند که باید موشکهای عراق را از بین برد زیرا طول آنها چند سانتیمتر درازتر از طول موشکهای مجاز

است و آنوقت موشکهای عراق را به کمک کارشناسان آمریکائی سازمان ملل متحد نابود کردند. وقتی تمام سلاحهای عراق را از وی گرفتند، تازه شرایط مناسبی به دست آمده بود که به این کشور حمله کنند و تا به امروز نیز آنها در اشغال خویش داشته باشند. حداقل ۱۵ هزار مستشار نظامی آمریکائی در عراق حضور دارند که بر انتقال بی‌مانع و بدون کنترل نفت عراق به بازارهای غرب نظارت می‌کند.

امپریالیستها همین نظر را در مورد ایران دارند. نخست با همان هو و جنجال سنتی که از وجود سلاحهای کشتار جمعی در ایران خبر دارند، شروع کردند. بعد به تسلیحات ایران و دانش فناوری موشکی ایران بند کردند تا آنها را از بین ببرند و سرانجام پای متحدان ایران در منطقه از یمن؛ عراق؛ حماس؛ حزب الله گرفته تا سوریه را به میان کشیدند و می‌کشند و تلاش می‌کنند این متحدان را تضعیف و بی‌ضرر کنند و آنوقت با خیال راحت به سراغ ایران بیایند. در اینجا سخن برای همه طرفها بر سر یک انتخاب استراتژیک است. شکست در سوریه سرآغاز نابودی ایران و نه نابودی رژیم جمهوری اسلامی است.

امپریالیستها تلاش کردند با ایجاد سازمانهای تروریستی القاعده؛ النصر و داعش و سایر گروههای تروریستی که ترامپ بی‌شرمانه آنها را به ایران نسبت می‌دهد، حکومت قانونی بشار اسد را سرنگون کنند و پشت دروازه‌های اسرائیل را برای حمله به ایران محکم گردانند. ترامپ دروغگو؛ داعش همدست خودش و دوستانش را دست‌پرورده ایران جلوه می‌دهد و از این همه دروغ شرم هم ندارد. وی مدعی است که در ایران مجددا بمب اتمی پیدا شده است.

"معجزه" کشف جسد...

باستانشناسان مدرن انگلیسی برای سرکوب جنبش جنگل که این خواستها را در مرانامه خویش داشت، توضیحی ندارند که ارائه دهند. سیر رویدادهای ایران چه در زمان رضاخان و چه در زمان ملی کردن صنعت نفت و چه در زمان "اصلاحات ارضی" نواستعماری شاه و یا در مذاکرات "گودالوپ" برای تامین و تضمین سرکردگی ملاها در انقلاب و منحرف... ادامه در صفحه ۴

"معجزه" کشف جسد...

کردن مسیر آن؛ نشان داد که چه مقام مهمی امپریالیستهای بریتانیا و آمریکا در تحولات ایران و در تاثیرگذاری بر سیر تحولات آن داشته و دارند. رضاخان آن عامل جدیدی بود که باید سیاست جدید امپریالیسم بریتانیا در ایران را اجراء می-کرد و با تمديد قرارداد داری و بخشیدن نفت ایران به انگلیسی ها خدمت مهمی به اربابان خود نمود. تصور اینکه ایران بعد از انقلاب بهمین از دست جاسوسان امپریالیسم و صهیونیسم خلاصی یافته است، تصویری باطل و ناشی از نشناختن ماهیت امپریالیسم و صهیونیسم این دشمنان بشریت است. بر این اساس است که ما این نیاز را احساس کردیم که نظر خوانندگان توفان را به مقاله ای جلب کنیم که سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان سلف حزب کار ایران (توفان) در ۴۲ سال پیش به نگارش آورده است که بسیار آموزنده است.

توفان شماره ۱۰۶ دوره سوم خرداد ۱۳۵۵ برابر ژوئن ۱۹۷۶ تحت عنوان "تاریخ را نمی توان جعل کرد" نوشت: "به مناسبت پنجاه سال سلطنت سلسله ننگین پهلوی همه نویسندگانی که فکر و قلم خود را در خدمت شاه گذارده اند می-کوشند از رضاخان یک عنصر "مستقل و ملی" بسازند که گویا انگلیسها او را برسرکار نیاورده اند، گویا مشاوران ایرانی و انگلیسی، او را در اداره امور راهنمایی نمی کرده اند و گویا این افسر قزاق که جز قلدری و زورگوئی آنها لایق به پشتیبانی بیگانگان، هنر دیگری ندارد، در صحنه سیاست ایران اعم از داخلی و خارجی مستقلا یکه تاز میدان است، با فکر خود تصمیم می گیرد و با اراده خود عمل می کند و در تمام صحنه ها هم مظفر و منصور از آب در می آید. اما در واقع این "از ما بهتران" بودند که پس از انقلاب اکتبر بدنبال یک حکومت متمرکز و مقتدر رفتند و رضا خان را در ایجاد چنین حکومتی گام به گام جلو راندند.

نویسندگان برای ارضای "خاطر ملوکانه" می خواهند با جعل تاریخ بر این حقیقت پرده بکشند، اما از لابلای نوشته های آنها حقیقت آنطور تجلی می کند که هست و نه آنطور که آنها می خواهند بنمایانند.

پیش از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ بریتانیای کبیر با پیروی از سیاست تضعیف دولت مرکزی ایران شیخ خزعل عامل خود را به فرمانروائی خوزستان

منصوب کرده بود. شیخ خزعل که دولتی در دولت ایران تشکیل داده بود از دولت مرکزی تبعیت نمی کرد، مالیات نمی-پرداخت، در مواقع لازم با ارتش مزدور خود علم طغیان بر می افراشت، قبائل مجاور خود را علیه دولت مرکزی تحریک می کرد و در همه این کارها از حمایت امپریالیسم انگلستان برخوردار بود. اما پس از آنکه انگلستان را سیاستی دگر آمد و لازم شد دولت مرکزی مقتدری برای تامین کامل منافع انگلستان در سراسر ایران، جلوگیری از توسعه انقلاب در ایران بوجود آید، قدرتهای محلی و از آنجمله شیخ خزعل می بایست قربانی مرکزیت شوند و چنین هم شد. روزنامه کیهان مورخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۵ داستان "جنگ" رضاخان با خزعل را بخاطر "تصرف" خوزستان چنین می-آورد:

"مبارزه شیخ خزعل با دولت مرکزی (به نخست وزیری رضاخان-توفان) ابعاد گسترده ای پیدا می کرد. خزعل که "سردار اقدس" نیز نامیده می شد قدرت زیادی در جنوب غربی ایران خوزستان بهمزده بود... با دولت مرکزی خصومت می-ورزید و از پرداختن مالیات خودداری می کرد. پس از آغاز بهربرداری از حوزه های نفتی شیخ خزعل مناسبات ویژه ای با دولت انگلستان برقرار کرد؛ دولت انگلستان که برای حفظ امنیت در منطقه به او متکی بود، رسماً قول داده بود که اگر دولت ایران آزادی عمل شیخ خزعل را مورد تهدید قرار دهد بیاری او خواهد شتافت. شیخ خزعل با اطمینان از این پشتیبانی نه تنها از ادامه روش خودمختاری و حفظ ثروت بیکران خود در موقعیت نیرومندتری قرار گرفته بود، بلکه مطمئن بود که خواهد توانست با هر عامل تهدید کننده ای به مقابله برخیزد. او از این گذشته قبائل قشقایی و بختیاری را وادار کرد تا با نقشه هایی که برای خلع سلاح آنها طرحریزی شده بود مخالفت کنند و همچنان برای جلوگیری از نفوذ نیروهای ایرانی به منطقه خلیج فارس به افراد خود متکی باشند."

"رضاخان تهران را ترک کرد، از راه اصفهان، شیراز و بوشهر راهی جنوب شد با این هدف که به قول خودش یا خزعل را از میان بردارد و یا خود در ویرانه های شوش مدفون شود."

"رضاخان به بوشهر رسید، خزعل که اعتماد خود را نسبت به پیروزی اش از

دست داده بود به ارسال پیامهای تسلیم و فرمانبرداری پرداخت..." چند روز بعد رضاخان با دیدن خزعل موافقت کرد و او هنگام ورود به اتاق پذیرائی خانه خودش، در برابر رضاخان زانو زد و پایش را بوسید" و غانله خزعل بهمین سادگی خاتمه یافت (تکیه ها همه از ما است-توفان).

می بینید که شیخ خزعل که "دولت انگلستان برای حفظ امنیت در منطقه (بخوانید حفظ حوزه های نفتی-توفان) به او متکی بود"، شیخ خزعل که "قدرت زیادی در جنوب غربی ایران در خوزستان بهمزده بود" و "دولت انگلستان رسماً قول داده بود که اگر دولت ایران آزادی عمل شیخ را مورد تهدید قرار دهد به یاری او خواهد شتافت" و در نتیجه شیخ خزعل "با اطمینان از این پشتیبانی نه تنها از نظر ادامه روش خودمختاری و حفظ ثروتهای بیکران خود در موقعیت نیرومندی قرار گرفته بود، بلکه مطمئن بود که خواهد توانست با هر عامل تهدیدی کننده به مقابله برخیزد" -همین شیخ خزعل بیکباره "اعتماد خود را نسبت به پیروزی از دست" می دهد و به "ارسال پیامهای تسلیم و فرمانبرداری" می پردازد و سرانجام هم وقتی رضاخان در خانه خود او به او اجازه ملاقات می دهد "هنگام ورود به اتاق پذیرائی خانه خودش در برابر رضاخان زانو" می زند و پایش را می بوسد و اینها همه بدون شلیک یک تیر تفنگ جامه عمل می پوشد.

چه شد که شیخ خزعل با آن همه قدرت و برخورداری کامل از حمایت انگلستان بیکباره از مقابله با رضاخان صرف نظر کرد؟ چه شد که انگلستان بیکبار تمام منطقه حوزه های نفتی خوزستان را بدون دغدغه خاطر به رضاخان سپرد؟ نویسنده در این باره سخنی نمی گوید. آیا هیبت هول انگیز رضاخان و فحش های چارواداری او کافی بود برای آنکه خزعل و بریتانیای کبیر را، که ابرقدرت زمان خود بود آنچنان مرعوب سازد که دستهای خود را به علامت تسلیم بالا برند؟ همه کس می تواند علت تغییر ناگهانی رفتار خزعل را دریابد، دریابد که تسلیم خزعل با اشاره "ارباب" صورت گرفت و انگلستان صیانت منطقه را به دست کسی سپرد که خود به قدرت رسانده بود و به او اطمینان داشت.

البته مقصود نویسنده کیهان این نیست که رضاخان را ... ادامه در صفحه ۵

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

به طول انجامید که به کشته شدن ۵۰۰ غیر نظامی و خرابی پل‌ها، کارخانه‌ها، بسیاری از مسکونی و اداری، سربازخانه‌ها و تأسیسات نظامی منجر گشت. علت واقعی تجاوز به یوگسلاوی

این بود که میلو سوویچ حاضر نبود یوغ نوکری غرب را به گردن اندازد. آن اهریمنانی که خود خالق طالبان بودند، به بهانه مبارزه با تروریسم، پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به افغانستان تجاوز کردند که امروز پس گذشت ۱۷ سال هنوز این کشور رنگ صلح و آرامش بخود ندیده است.

تجاوز به عراق نیز با ادعای دروغین سلاح شیمیایی صدام - که هیچگاه یافت نشد - انجام گرفت، که به بهای جان ۱/۵ میلیون انسان تمام شد و این کشور نیز هنوز روی آرامش به خود ندیده است.

قذافی، در پی بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸، پول‌های خود را از بانک‌های غرب به‌ویژه از فرانسه خارج و به چین انتقال داد، و اعلام کرد که در معاملات نفتی، نفت را فقط در قبال طلا به غرب خواهد فروخت! که باعث شد تا قذافی مورد غضب غرب قرارگیرد. به یکباره رسانه‌های امپریالیستی مسأله «دیکتاتوری»، «حقوق بشر» و «دموکراسی» را در لیبی در بوق و کرنا دمیدند و با تحریرات از پیش سازمان داده شده، وضعیت جنگی در لیبی بوجود آوردند که منجر شد به واکنش امپریالیست های غربی به سرکردگی آمریکا که با اعلام «منطقه پرواز ممنوع» در عرض یک هفته با هواپیماهای جنگنده ناتو، لیبی را با خاک یکسان کردند و جان ۵۰ هزار غیرنظامی را گرفتند.

امروز نیز همانند گذشته یکبار دیگر غرب با توسل به حربه دروغ از طریق رسانه‌های وابسته به خود کوشش کرد تا اذهان عمومی را با اخبار نادرست و گزارشات ساختگی آماده سازد و مسأله استفاده از بمب شیمیایی علیه غیرنظامیان را توسط ارتش سوریه در دوما (غوطه شرقی) بهانه قرار دهد. اینبار نیز ژاندارم بین‌المللی رژیم اسد را به عبور از خط قرمز متهم کرد و با همپیمانان استعمارگر خود، غوطه شرقی... ادامه در صفحه ۶



میلیون کشته و ۲۰ میلیون زخمی به‌جای گذارد، از پی ده‌ها سال درگیری و منازعات میان قدرت‌های استعماری، بالاخره بعد از بهانه قراردادن حادثه ترور «آرشدوک فرانتس» Franz Ferdinand دوم، ولیعهد امپراتوری هابسبورگ و همسرش Sophie Herzogin von Hohenberg در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴، اتریش - مجارستان به صربستان اعلان جنگ داد.

جنگ دوم جهانی که بیش از ۷۰ میلیون کشته، که تنها در یک مورد بیش از صد هزار نفر در اثر بمب اتمی آمریکا در ژاپن جان خود را از دست دادند، و میلیون‌ها زخمی به جای گذارد، با حمله آلمان نازی به نیمه غربی لهستان با بهانه آزادسازی میلیون‌ها آلمانی در این کشور و بازپس‌گیری مناطق از دست‌رفته در جنگ جهانی اول آغاز گشت، که بلافاصله انگلستان و فرانسه در پاسخ به حمله آلمان به لهستان، به آن کشور اعلان جنگ دادند. اما فراموش نکنیم که یکی از اهداف عمده آلمان پس از پیروزی انقلاب اکتبر، تجاوز به اتحاد جماهیر شوروی و درهم‌شکستن جمهوری شوراهای بود، که انگلستان و آمریکا ابتدا به کمک آلمان شتافتند و او را در این جهت تسلیح کردند. جنگ کره که بیش از ۴ میلیون نفر (۲،۵ میلیون غیر نظامی و ۱،۶ میلیون نظامی) قربانی گرفت و نیز جنگ‌های ویتنام، کامبوج و لائوس که ۱۶ سال به طول انجامیدند و ۴ میلیون نفر جان خود را از دست دادند، به منظور جلوگیری از گسترش کمونیسم و اشاعه و ادامه تأثیر سلسله انقلابات کمونیستی براه انداخته شدند. آمریکا اما این جنگ هولناک را با بهانه دروغین «حمله قایق‌های انفجاری به کشتی‌های آمریکائی» آغاز کرد و به ویتنام لشکر کشید و آن همه فاجعه به بار آورد، که هنوز آثارش باقیست.

حمله تجاوزکارانه ناتو به یوگسلاوی در سال ۱۹۹۹ نیز به بهانه «نقض حقوق بشر در کوزوو» انجام گرفت و ۷۶ روز

"معجزه" کشف جسد...

به انگلستان بچسباند ولی نوشته این نویسنده نتیجه منطقی دیگری به دست نمی‌دهد و این یک حقیقت تاریخی است. امروز نیز بعد از فروپاشی شوروی؛ امپریالیسم غرب سیاست تفرقه و ایجاد جنگ داخلی و تجزیه کشورها را در مد نظر دارد. ایجاد آشوب و کنترل تنها بخشهایی که از نظر اقتصادی منافع امپریالیسم را تامین می‌کند، در دستور کارش است. تمام مناطق عراق فاقد امنیت است ولی غارت نفت عراق زیر نظر عوامل آمریکا به بهترین وجهی ادامه دارد. تمامی کشور لیبی در آشوب است ولی غارت نفت لیبی به راحتی ادامه دارد. این تجارب تاریخی باید به ما نشان دهد که امکان تحلیل واقع‌بینانه بدون توجه به نقش امپریالیسم و صهیونیسم در جهان ممکن نیست و نباید رویدادهای جهانی را به صورت منفرد و مجزا در نظر گرفت.

تجاوز به خاطر سود ...

است و باید با بمباران هوایی پاسخ او را داد». اما پس از دو روز، فاش شد که بمب شیمیایی را داعش از مرز ترکیه وارد سوریه کرده و آن را علیه مردم بی‌دفاع به کار بسته است. اوپاما، نه تنها جرأت نکرد، سوریه را بمباران کند، حتی در رابطه با بی‌پایه‌بودن این اتهام سکوت اختیار کرد و به نوعی خفکان گرفت! امروز که دولت قانونی سوریه در اتحاد با روسیه و ایران قادر گشته است داعش، این نیروی اهریمنی دست‌پرورده عربستان، ترکیه، امپریالیسم غرب و اسرائیل را شکست دهد و بخش اعظم کشور را از وجود این جانیان پاک سازد (و این آن خاری است که در چشم ارتجاع عرب و حامیان امپریالیستی‌شان می‌خلد)، امپریالیسم مجدداً از انبان توطئه و نیرنگ خود افسانه کاربرد بمب شیمیایی توسط ارتش سوریه را بیرون کشید، تا تجاوز نظامی خود به این کشور را از یکسو جهت تضعیف رژیم قانونی بشار اسد توجیه کند و از سوی دیگر به ایران و روسیه چنگ و دندان نشان دهد. این اولین بار نیست که امپریالیسم برای حفظ و گسترش سود و سلطه با ابداع دروغ زمینه را برای به راه انداختن جنگ‌های خونین و خائنانه برانداز آماده می‌سازد.

جنگ‌ها و تجاوزات یک قرن گذشته جملگی با دروغ‌ها و جنجال‌های تبلیغاتی آغاز گشته‌اند. جنگ جهانی اول که ۱۷

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند. صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

تجاوز به خاطر سود ...

را مور حمله موشکی قرار داد. اما، با ضرب‌المثل ایتالیایی گفته باشیم، «پای دروغ کوتاه است».

رابرت فیسک Robert Fisk، خبرنگار معروف روزنامه ایندپندنت The Independent پس از جنجال تبلیغاتی غرب مبنی بر استفاده از بمب شیمیایی، توسط رژیم اسد و نشان دادن کودکانی که شیمیایی شده‌اند، پرده از راز دروغ‌های رسانه‌های غربی برداشت. او به بیمارستانی که گزارش‌های جعلی منعکس شده در رسانه‌های جهانی در آن فیلمبرداری شده بود، رفت و با رئیس آن بیمارستان مصاحبه کرد. او گفت که بمب شیمیایی در کار نبوده است و «مصدومی» که ادعا شده بود، «شیمیایی شده‌اند» در واقع دستگاه تنفس‌شان در اثر گرد و غبار بمب‌های غیرشیمیایی دچار اختلال شده بوده است.

خانم گاک (Gak) خبرنگار برنامه ۲ تلویزیون ZDF آلمان، که از اردوگاه آوارگان سوری، با گنجایش ۲۰ هزار آواره، که بسیاری از آنها از غوطه شرقی و دوما هستند، دیدن کرد، در گزارش خود به گفته آوارگان استناد می‌کند، که بنابر آن اسد از بمب شیمیایی استفاده نکرده است. او در عین حال از بیمارستانی که قبلاً «کلاه سفید»‌ها ویدیوئی از «درمان» آسیب‌دیدگان «حمله شیمیایی» اسد در هفتم آوریل ۲۰۱۷ تهیه کرده و پخش کرده بودند، دیدن می‌کند. در این گزارش نیز آمده است که بنابر گفته پزشکان این بیمارستان کسانی که به عنوان قربانی حمله شیمیایی به این بیمارستان مراجعه کردند، هیچگونه آثار و علائمی از گاز سمی در بدن آنها مشاهده نشده است. خانم گاک در عین حال از زبان آوارگان می‌آورد که تروریست‌های داعش در دوما و غوطه شرقی بالن‌هایی از گاز سمی در نقاط مختلف تعبیه کرده بودند، تا در صورت حمله هوایی ارتش سوریه منفجر شوند و مردم را مسموم سازند.

یک خبرنگار مستقل کانادایی به نام Eva Bartlett معتقد است که «دستور کار غربی‌ها تغییر دولت سوریه است و از همین‌رو آنها واقعیات را از رسانه‌ها پخش نمی‌کنند». Eva Bartlett که قریب به ۵ سال است برای تهیه گزارش به سوریه در رفت و آمد است، در یک کنفرانس خبری، در پاسخ به سوال یک خبرنگار نروژی، پرده از دروغ‌پراکنی‌های رسانه‌های حاکم در غرب برمی‌دارد. آفپوس خبرنگار

طبق گزارشی که در مجله اسپیکل درج شده است، گرچه خانم مرکل، صدراعظم آلمان، حمله موشکی اخیر آمریکا، انگلیس و فرانسه به سوریه را «موفقیت‌آمیز و متناسب» ارزیابی کرد و در این رابطه «ارتش سوریه را مقصر» شناخت، اما بنابر مشاور حقوقی نمایندگان مجلس آلمان و تعداد زیادی از وکلای مجلس، این حمله موشکی را، همانند حمله سال گذشته آمریکا به سوریه، مغایر با حقوق ملل و غیرقابل دفاع می‌دانند. مضافاً اینکه استفاده رژیم اسد از بمب شیمیایی نه تحقیق شده است و نه اثبات و نه اینکه سازمان ملل در این زمینه تصمیمی قانونی اتخاذ کرده است. از اینرو آنها این حمله موشکی آمریکا، فرانسه، انگلیس را نقض قوانین بین‌المللی می‌دانند و تردید دارند که واقعاً حمله شیمیایی صورت گرفته باشد. آنها بر این باورند که این عمل خودسرانه و تکررانه کشورهای سه‌گانه، بیشترین لطمه را به حقوق بین‌الملل وارد می‌آورد. آنها در عین حال از میلیتاریزم شدن سیاست خارجی کشورهای سه‌گانه سخت انتقاد می‌کنند.

این گزارش در واقع سیلی محکمی به «معلمین اخلاق» (آمریکا و متحدین اروپایی‌اش) زد، که نه تنها عمل‌شان غیر اخلاقی است، بلکه خود ناقض قوانین بین‌المللی هستند.

تجلیل از خدمات مارکس...

با آثار جاودانه که از خود به جای گذاشت تحولات عظیم و عمیقی در زمینه‌های فلسفی، سیاسی، علوم اجتماعی و اقتصاد بوجود آورده، صدها میلیون انسان را از جهل و خرافات بیرون آورد و دنیای نویی را برای آنها ترسیم کند.

با پیدایش نظریه‌های اولیه سوسیالستی در انگلستان و پس از آن فرانسه که بر اثر صنعتی شدن این کشورها بوجود آمده بودند و مارکس آنها را "سوسیالیسم تخیلی" می‌نامید، مرحله جدیدی پدید آمد که در محور اصلی آن تفکر فلسفه آلمانی قرار داشت. با تحول از "سوسیالیسم تخیلی" به "سوسیالیسم علمی" کارل مارکس توانست نام و مهر خود را بر تمام پیکره سوسیالیسمی بزند که جهان را بعدها به طور جدی متحول کرد. مارکس با تحلیل درست از سوسیالیسم تخیلی کسانی مانند فوریه و اون و امثالهم و مبارزه با آن به سوسیالیسم علمی رسید. و به... ادامه

در صفحه ۷

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

هگلی‌ها که فلسفه‌ای آسمانی بود و اعتقادشان بر این قرار داشت که تاریخ و پیشرفت بشر بر روی زمین، تحت هدایت نیروئی خارج از ذهن ما و به دست او یعنی خداوند (روح مطلق) می‌باشد، به زیر کشیده و آنرا زمینی و عقلانی کنند. آنان توانستند فلسفه آلمان را از آسمان و از درون ابرهای سیاه، به روی زمین آورند، و فلسفه مارکسیست را به عنوان یک علم به جهانیان بشناسانند و از این طریق میلیون‌ها نفر از جمعیت جهان را با افکاری جدید؛ روشن و علمی مسلح سازند.

فلسفه مارکسیسم به انسان‌ها می‌آموزد که به مسائل اطراف خود بدون تعصب و همه جانبه به‌نگرند، هیچگاه شعور خود را یکسویه و به یک جهت خاص محدود نسازند، تا بتوان حقیقت را نمایان‌تر به دست آورد. مارکسیسم پویاست و در حرکت و همین پویائی است که آنرا زنده نگه داشته است.

از یاری مالی شما سیاست‌گذاریم

رفیق بی‌نام ۵۰ یورو
از آلمان ۵۰ یورو
مونخ ۱۰۰ یورو

به توفان در تلگرام خوش آمدید



آنها تکامل بخشیدند.

تحول فلسفه آلمان:

فلاسفه و صاحبان عقل و اندیشه آلمان که تحت تأثیر فیلسوفانی نظیر هگل ایده‌آلیست و لودویگ فویرباخ ماتریالیست قرار داشتند، سال‌ها به خاطر شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاکم، نتوانسته بودند مانند فلاسفه فرانسه و انگلستان به دست آورده‌های نویی دست یابند. اما پس از آنکه مارکس و انگلس تحقیقات و کار خود را آغاز کردند، توانستند آنچنان تحولی در آن بوجود آورند که بعدها، دنیا را نیز دچار تحولی عظیم کرد. مارکس و انگلس توانستند با کار مداوم نظریه‌های ایده‌آلیستی را مورد انتقاد قرار داده و فلسفه آلمان را که برپایه مفاهیمی عام مانند "اراده مطلق"، "روح جهانی"، "اراده کمال مطلوب"، "عقل مقدس" و نظریه‌های مشابه دیگر قرار داشت از طریق تجزیه و تحلیل، مبارزه و باطل نشان دادن نظریات

تجلیل از خدمات مارکس...

این ترتیب همراه با نگارش بیانیه حزب کمونیست که در آن از مبارزه طبقاتی انسان‌ها به عنوان عامل تعیین کننده در تاریخ بشری سخن می‌راند، تاریخ از صورت بیان رویدادهای اتفاقی و بازتاب خلق و خوی سیاستمداران و رهبران به صورت علم در آمد و سیر تحول آن در مسیر پیشرفت؛ قابل پیشگویی شد. برای نخستین بار تاریخ علم شد.

در اوت سال ۱۸۴۴ کارل مارکس با فریدریش انگلس آلمانی در پاریس آشنا گردید، که این دیدار مارکس و انگلس یکی از مهمترین اتفاقاتی است که تأثیرات آن در حوزه فکر و اندیشه در اواسط قرن نوزدهم؛ انقلابی ایجاد کرد. انگلس با انتقال آگاهی‌های خود به مارکس هم‌رزم آینده‌اش؛ از شرایط

زندگی اسفبار طبقه کارگر انگلستان (انگلس در کارخانه پارچه بافی پدرش در منچستر انگلستان از سال ۱۸۴۲ تا ۱۸۴۴ مشغول به کار بود) که در عرصه عمل تجربه و لمس کرده بود، پیش زمینه‌هایی برای پژوهش‌های گسترده وی و تفکرات قدرتمند ذهنی او ایجاد کرد. مارکس که یک نابغه بود و از آنجائی که در رشته حقوق فلسفه و تاریخ از دانشگاه برلن فارغ التحصیل شده و در رشته فلسفه از دانشگاه "ینا" به درجه دکترا نائل شده بود، توانست به سرعت در همین رشته تحقیقات خود را ادامه دهد و فلسفه آلمان را دچار تحول و دگرگونی سازد. مارکس و انگلس کار مشترک خود را تحت کتابی به نام "خانواده مقدس" آغاز کرده و مبارزه با عقاید فلسفی آلمان را شروع کردند، که سهم به‌سزائی در تکامل تئوری‌های آینده‌شان داشت. آنان معایب و نواقص این فلسفه را برطرف و

مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۴۳ خرداد ماه ۱۳۹۷ را در تارنمای توفان مطالعه نمایند

توفان الکترونیکی در آغاز هر ماه میلادی منتشر می شود

www.toufan.org

نشریات حزب کار ایران (توفان)

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>
http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>
<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان
سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توئیتر

توفان در فیسبوک
توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

مبارزه با فساد و رشوه‌خواری تنها به دست یک حکومت مردمی عملی است

سال ۲۰۱۸ سالگرد دویست سالگی تولد کارل مارکس

تجلیل از خدمات مارکس به جامعه بشری

"فیلسوفان تا این زمان فقط به تفسیر جهان به طریقه‌های گوناگون پرداخته و اکنون باید در صدد تغییر جهان برآمد"
کارل مارکس - تزهائی در مورد فویرباخ

از کارل مارکس تقریباً همه تجلیل می‌کنند، زیرا وی یک دانشمند بزرگ بشریت است و بیش از هر متفکر دیگری تاریخ قرن ۱۹ و ۲۰ را رقم زده است. ولی هر کس از کارل مارکس تمجید کرد الزاماً با اندیشه‌های مارکس موافق نیست. امروز حتی دشمنان سوگند خورده مارکسیسم نیز برای مبارزه با نظریات مارکس به رنگ مارکسیسم می‌آیند تا مارکسیسم را از درون تهی کنند و دژ را از درون فتح نمایند. سلی از مزدوران به راه افتاده‌اند تا در باره "نادرستی‌ها" و پیشگویی‌های "ناموفق" مارکس داد سخن دهند. این مزدوران روشنفکر را جلو می‌اندازند، و کرسی خطابه به آنها می‌دهند، و آنها را آرایش می‌کنند، تا آنان را به پشت صفحات تلویزیون و میدانهای تبلیغاتی بکشانند که این "اندیشمندان" از نظر "علمی" مرگ مارکسیسم را اعلام کنند و بذریاس بپاشند. این واکنش ستمگران نسبت به نظریات رهائی‌بخش مارکسیسم خود گویای نفوذ و قدرت معنوی نظریات مارکسیستی در جنبش کارگری است.

دشمنان مارکسیسم به انقلاب اجتماعی و مبارزه طبقاتی اعتقادی ندارند. آنها مفاهیم اجتماعی نظیر دموکراسی، آزادی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و... از مفهوم طبقاتی آن جدا ساخته و از آنها واژه‌های بی‌بو و خاصیتی برای بورژوازی می‌سازند. افسانه "آزادی‌های بی قید و شرط" از این مقولات است. دشمنان مارکسیسم به دیکتاتوری پرولتاریا و انقلاب قهرآمیز پرولتری اعتقادی ندارند و تلاش دارند از مارکسیسم موجودی بی‌اثر و بی "خطر" بسازند. آنها از شبی که اروپا را فرا گرفته است واهمه دارند و همه ابزار از زندان؛ شکنجه و اعدام گرفته تا شستشوی مغزی را برای نابودی مارکسیسم به کف می‌گیرند. دشمنان مارکسیسم که مارکسیستهای "نوپن" شده‌اند ضد تکامل مارکسیسم به لنینیسم هستند. آنها در اینجا به پویائی مارکسیسم و استنتاجات مبارزه طبقاتی اعتقادی ندارند و به شدت با لنینیسم که مظهر مجسم مارکسیسم در شرایط وجود امپریالیسم است به مقابله برمی‌خیزند. جریانهای اسرائیلی نظیر حزب کمونیست کارگری و همه پیروان منصور حکمت به تحول سرمایه‌داری به امپریالیسم اعتقادی نداشته و آموزش مارکسیسم را واژگونه ارائه داده و آن را تا همان پیدایش و پیشرفت سرمایه‌داری محدود دانسته و برای انحراف جنبش و دشمنی با کمونیسم نسخه‌های اکونومیستی و نئولیبرالی می‌نویسند. همه این عوامل کمونیستها را فرا می‌خوانند تا بر ضد "مارکسیستهای" ضد کمونیست بسیج شوند و در ۲۰۰ سالگی تولد مارکس این دشمنان کمونیست را افشاء نمایند. ما سالهاست که در این راه گام گذارده‌ایم.

کارل مارکس در روز ۵ ماه مه ۱۸۱۸ در شهر **ترییر** استان راین لندفالتز آلمان بدنیا آمد و در ۱۴ مارس ۱۸۸۳ در اثر سکته مغزی، زمانی که در حال نوشتن جلد سوم کتاب "سرمایه" بود چشم از جهان فروبست و جسدش در گورستان "های گیت" لندن به خاک سپرده شد.

او که یکی از فیلسوفان به نام عصر خود بود، توانست... ادامه در صفحه ۶

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 219 jun. 2018

تجاوز به خاطر سود و سلطه

سال‌هاست که امپریالیست‌های غرب و در رأس آن امپریالیسم آمریکا تجاوزات و جنایات جنگی راه، که در حقیقت در خدمت اهداف سودجویانه و توسعه‌طلبانه آنها قرار دارند، به بهانه واهی اقدامات «بشر دوستانه» سازمان می‌دهند. امپریالیست‌ها از طریق به انحصار آوردن رسانه‌های گروهی و به خدمت گرفتن آنها، افکار عمومی جهان را با دروغ بمباران می‌کنند، تا حقیقت در پس پرده مستور بماند؛ تا بتوانند با فراغ بال همچنان به لشکرکشی، کشتار، خرابی، آواره نمودن و بی‌خانمان کردن میلیون‌ها انسان ادامه دهند و بدتر از همه این جنایات را در چشم جهانیان موجه جلوه دهند. از آن جمله است حمله موشکی اخیر به شرق سوریه توسط متحدین سه‌گانه امپریالیسم، آمریکا، انگلستان و فرانسه.

چند سال پیش اوباما، رئیس جمهور اسبق آمریکا، ادعا کرد که بشار اسد با به‌کاربردن بمب شیمیائی علیه مردم سوریه «از خط قرمز عبور کرده... ادامه در صفحه ۵

www.toufan.org

تارنمای توفان در شبکه مجازی

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کارایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صديق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت‌ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

Toufan آدرس مکتوبات
Postfach 11 38
64526 Mörfelden-Walldorf
Germany

حکومت‌های دینی هرگز حقوق انسان‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند